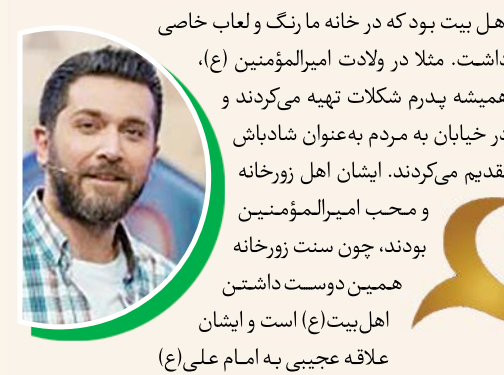


برنامه تلویزیونی «سایه‌سار» با هدف ترویج فرهنگ کاشت درخت و مشارکت در طرح ملی کاشت یک میلیارد درخت، به تازگی آغاز به کار کرده است. سید حمیدرضا رضایی، تهیه‌کننده این برنامه، در گفت‌وگویی تأکید کرد که این برنامه به دنبال ارتقای آگاهی عمومی و تشویق مردم به درختکاری است. وی افزود: «این برنامه با رویکرد آموزشی و انگیزشی طراحی شده و قهرمانان ملی

تلاشی ملی برای کاشت یک میلیارد درخت

حوزه محیط زیست را معرفی می‌کند.» رضایی به برگزاری پویش های درختکاری در مناسبت‌های مختلف اشاره کرد و گفت: «هدف ما نهادینه کردن فرهنگ درختکاری در جامعه است.» او همچنین به تلاش های خاص برای جذب مخاطبان جوان اشاره کرد و گفت: «برنامه‌هایی داریم که جوانان را به کاشت درخت ترغیب می‌کند.» این برنامه در طول دو ماه گذشته با استقبال خوبی از سوی



اهل بیت بود که در خانه ما رنگ و لعاب خاصی داشت. مثلاً در ولادت امیرالمؤمنین (ع)، همیشه پدرم شکلات تهیه می‌کردند و در خیابان به مردم به‌عنوان شادباش تقدیم می‌کردند. ایشان اهل زورخانه و محب امیرالمؤمنین بودند، چون سنت زورخانه همین‌دوست داشتن اهل‌بیت(ع) است و ایشان علاقه عجیبی به امام‌علی(ع) داشتند. به همین دلیل، شامیلی از امیرالمؤمنین در خانه‌ما همیشه وجود داشت. در زمان خداحافظی نیز همواره از عبارت «یا علی مدد» استفاده می‌کردند. ایشان همیشه اهل شوخی و بگو و بخند بودند. نصیحت‌شان به من سرمد‌داری و جمع‌کردن رفیق بود. می‌گفتند که از انسان، مردم‌داری و حسن خلق باقی می‌ماند. نام من را به دلیل محبت به‌امیرالمؤمنین وهم‌نامی‌با پدرشان، علی گذاشتند. از جمله‌خاصی که از ایشان به ارث بردم، رک بودن و بی‌تعارف بودن است، البته آنجا که مرز رک بودن و گستاخی را رعایت کنم. همیشه توصیه می‌کردند آنچه در دل است، همان زمان بیان شود؛ چرا که اگر نگویی، تبدیل به کینه می‌شود و کینه هم انسان را سیاه می‌کند. تلاش می‌کنم نصایح ایشان را عملی کنم.

تصویر پدرانگی، در یک لحظه ماندگار

را حله امینیان هم چهره دیگر تلویزیونی است که در روز پدر، از شخصیت رفیق‌القلب پدرش می‌گوید. او توضیح می‌دهد، پدرم شخصیت رفیق‌القلبی دارد. هرچند در وقت خودش آن جدیت پدرانه را داشته و همچنان دارد اما در عین حال بسیار رفیق‌القلب است و سختی‌ها و مشکلات ما او را نگران می‌کند. اولین تصویر پدرانگی او برایم زمانی است که دخترم به دنیا آمده بود و پدرم برای اولین بار به بیمارستان آمد و من و دخترم را کنار هم دید. در آن لحظه به قدری متقلب شد و های‌های با صدای بلند گریه کرد که این حالت، همه حاضران حتی در اتاق‌های دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داد. من دختر بزرگ پدرم و فرزند اول ایشان هستم و دخترم هم نوه اول خانواده است. یکی از خصیصه‌هایی که از پدرم به ارث برده‌ام، ممکن است روحیه عجول بودنم باشد. پدرم در لحظه تصمیم می‌گیرد. هرچند اغلب تصمیماتش درست است اما من در سنین پایین‌تر که تصمیمی عجولانه می‌گرفتم، دیگران می‌گفتند که در این خصیصه به خانواده پدری ام رفته‌ام. ایشان مرا «دخترم» خطاب می‌کنند و دودارور به گوشم می‌رسد که در جمع‌ها به نیکی از من یاد می‌کنند و به قولی پُر مرا می‌دهند. از مهری که نسبت به من و دخترم دارند، خوشحالم. امیدوارم خداوند سایه همه پدران را حفظ و پدران آسمانی را مهمان امیرالمؤمنین کند.

پدر: نماد بخشش و صداقت در زندگی

افشین علا، شاعر چهره دیگری است که سراغش می‌رویم. او در بیان خصایص پدرش می‌گوید: خانواده پدری‌ام از ملاکان منطقه نور در استان مازندران بودند. خصایص حسنه پدر مرحومم بسیار زیاد بود اما پرننگ‌ترین آنها بخشش و جود او بود. به طریزی باورنکردنی، نه‌تنها

مخاطبان روبه‌رو شده‌وبه‌عنوان یک پایگاه‌مؤثر در جامعه طرفداران محیط‌زیست شناخته‌شده‌است.رضایی‌افزود: «قصد داریم سایه‌سار را به یک سکوی دائمی در رسانه ملی تبدیل کنیم که به مسائل محیط‌زیستی مختلف بپردازد.» برنامه سایه‌سار به‌زودی جشن بزرگی به مناسبت روز درخت و درختکاری برگزار خواهد کرد و امیدوار است که به عنوان یک برنامه ماندگار در سیما ادامه یابد.

مازاد دارایی خود را، یا بخشی از ثروتی را که در اختیار داشت، مانند همه نیکوکاران به نیازمندان انفاق می‌کرد، بلکه می‌توان گفت از تمام دارایی خود، به جز یک خانه کوچک که اهل خانه در آن ساکن بود، گذشت. از همان دوران کودکی شاهد بودم که مردم نیازمند به خانه‌ما مراجعه و طلب کمک می‌کردند. از آنجا که پدرم اهل ثروت‌اندوزی نبود و پولی در خانه ذخیره نداشت، قطعه زمینی به آنها می‌بخشید؛ چه برای عروسی، چه برای مداوا و چه برای حل مشکلات دیگر. او رهنمودهای زیادی برای ما داشت و عملاً راهنمای زندگی‌ما ن بود. مردم‌داری، جوانمردی، بزرگی، اصالت و مناعت طبع او چراغ راه زندگی ما بوده و هست. اما یکی از شاخص‌ترین این رهنمودها این بود که می‌گفت به حرفی که می‌زنید عمل کنید. بسیار کم حرف اما دانا و اهل فضل بود. کم و گزیده صحبت می‌کرد اما وقتی صحبت می‌کرد، همه را به احترام وای داشت. کلمه به کلمه حرف‌هایش محترم بود و حاضران تلاش می‌کردند صحبت‌هایش را گوش کرده، به حافظه بسپارند و عمل کنند. مواردی پیش می‌آمد که در قبال بخشش زمین‌ها، صحبتی بیش می‌آمد می‌گفت: «فلان قطعه‌ای که زمانی بدون سند بخشیده‌اید، حالا گرانبها شده، چرا چنین کرده‌اید؟ اجازه دهید برویم زمین را پس بگیریم.» برمی‌آشفتم و می‌گفت: «به هیچ وجه! چیزی را که بخشیدم، بخشیدم.» تکیه کلامش این بود که «من حرف زدم، حرفی که زده‌ام و تمام شده است.» این تکیه کلامش در منطقه زیان‌زد بود. شاید اگر نخواهیم به‌دنبال مایملک پدرمان برویم، بتوانیم آنها را پس بگیریم اما چنین نخواهیم کرد، چرا که وصیت پدرمان این بود که مرد است و قولش. می‌گفت: «من حرف زدم. حرف زدم یعنی ختم کلام و السلام.»

تجلی وصیت امیرالمومنین (ع) در سبک زندگی پدر

سهیل اسعد، کارشناس مجری تلویزیون با ذکر قسمتی از وصیت امیرالمومنین(ع) به یاد پدر مرحومش می‌گوید: همیشه بعد از شنیدن وصیت‌نامه امیرالمومنین امام‌علی(ع) به فرزندانش (او صبیکم بتقوی ... و نظم امرکم) که شامل رعایت تقوای خدا و نظم در زندگی، ازجمله انضباط شخصی، اجتماعی و مدیریت است، به یاد پدرم می‌افتم. ایشان این دو اصل را با نگاه و سبک خود به ما آموختند. با این‌که در طول زندگی‌اش متدین نبود و در اواخر عمرشان به تدین روی آوردند اما همواره به تقوا به معنای رعایت حقوق دیگران و داشتن اخلاق نیکو عمل می‌کردند. ما در فضایی آزاد بزرگ شدیم و اکثر دوستان ما ن مسیحی بودند و سبک زندگی‌ما ن کاملاً آرتزانتینی بود. با این حال، از روز اول می‌دانستیم که خطوط قرمزی در روش زندگی ایشان وجود دارد. مثلاً دروغ ممنوع بود و تجاوز به حق الناس نیز غیرقابل قبول. در مورد ازدواج، پدرم به ما گفته بودند که تنها می‌توانید با یک خانم مسلمان وصلت کنید. ایشان در این زمینه بسیار حساس بودند و مرزهایی برای ماترسیم کردند. بنابراین، با این‌که تدین نداشتند اما قالباً با تقوا بودند. دیگر ویژگی پدرم که بسیار مرا تحت تأثیر قرار داده، نظم و انضباط ایشان در زندگی بود. از بچگی به خاطر دارم که ایشان قانونی در وقت شناسی و مدیریت زمان داشتند که هیچ‌گاه آن را ترک نکردند. این ویژگی برایم بسیار عجیب بود. مثلاً در طول ۴۰ سال، هر روز ساعت ۶ صبح بیدار می‌شدند، ساعت ۷ صبحانه می‌خوردند، ساعت ۷:۳۰ به سمت مغازه حرکت می‌کردند و به همین منوال تا شب هر ساعتی مخصوص کاری بود. این برنامه همیشه ثابت بود و ایشان هر روز طبق آن عمل می‌کردند. نظم عجیبی داشتند. شنیده‌ام که امام خمینی (ره) نیز در ساعت انجام امورشان منضبط و دقیق بودند. من پدرم را به همین شیوه دیده و شناخته‌ام. در سبک زندگی پدرم، دو چیز بسیار مشهود بود: یکی وقت‌شناسی، مدیریت زمان و انضباط، و دیگری بحث تقوایی که ذکر کردم. مخلص کلام این‌که تجلی وصیت امیرالمومنین (ع) را در سبک زندگی پدرمان مشاهده کردیم. پدرم مصداق این دوامر بودند.



خاطره‌نگار

دعای پدرم بسیار گیرا بود

علی بخشی‌زاده، معاون صدای رسانه ملی درباره روز پدر و خاطراتی که از پدرشان دارد این‌طور تعریف می‌کند: هر فرزندی نسبت به پدرش هم ارادت دارد، هم شیفته و واله است. من هم مثل یکی از فرزندان این ملت رشید خاطرات زیادی از پدرم دارم و در زندگی خیلی از ایشان الگو گرفتم. پدرم عجیب اهل دعا بود و دعایش به شدت گیرا بود؛ یعنی دعایش زود می‌گرفت. من شهریور سال ۶۹ از اسارت آمدم و قرار بود اوایل سال ۷۰ پدرم به حج برود؛ به من گفت من قدری پیر و خسته شدم و عمره زیاد رفتم و شما با مادرت به جای من به حج واجب برو و چون در اسارت بودی، برو تا خستگی در کنی. رویم نمی‌شد به پدرم بگویم من جوان‌تر هستم، بهتر است شما به حج واجب بروید. پدرم اصرار و من انکار و در نهایت گفتم پدر را حج مال خودتان است و باید خودتان بروید و من هم خدا قسمتم می‌کند. شب آخر پدرم سر سفره که همه جمع بودند، نزدیک مغرب به سمت قبله ایستاد و دستانش را بالا برد و گفت: «ای خدایی که موسی را از دریای نیل نجات دادید و به مادرش سپردید، یونس را از شکم ماهی نجات دادید و به مردمش رساندید و یوسف را از قعر چاه نجات دادید و عزیز مصر کردید، برای تو کاری ندارد که علی را هم با ما به حج بفرستید.» فردا صبح به همراه اقوام، پدرم را به سمت فرودگاه مهرآباد برق‌ه کریم و به خانه برگشتم. در راه باز کردم، تلفن خانه زنگ می‌خورد، گوشی را برداشتم؛ پشت خط گفتمند که از استانداری تهران تماس می‌گیرند و خطاب به من گفتند که شما کجا هستید؟ گفتم چطور مگه؟ گفتند ۹۹۹ نفر اینجا هستند، نام‌ها و کارهای شان برای رفتن به حج آماده است. شما هم عکس و کپی از صفحات شناسنامه بگیرید، به بانک ملی بروید. ۲۲۵۰۰ تومان پول فیش را واریز کنید و بیاورید که امسال به حج بروید. من هم در اوج ناباوری کارها را انجام دادم و به عنوان آخرین نفر، مدارکم را تحویل دادم و بعد با آخرین پروازی که از ایران به عربستان می‌رفت، به حج رفتم. حج واجب دو مرحله دارد که یک مرحله‌اش عمره تمتع است که عمره تمتع را انجام دادیم، تمام شد. به هتل آمديم و بعد به بعثه رهبر معظم انقلاب در مکه رفتم، آدرس کاروان پدرم را گرفتم و به آنجا رفتم. دیدم پدرم دارد وضو می‌گیرد. از پشت چشمانش را گرفتم. پدرم گفت ول کن آقا! من با کسی شوخی ندارم! تا این‌که دسّم را از روی چشمانش برداشتم. پدرم برگشت و مرا نگاه کرد و گفت: «علی! اینجا! مکه! چطور آمدی؟» گفتم: «مگر شما آن شب دعا نکردید؟» برایش تعریف کردم. بعد رفتم پیش مادرم و با او احوال‌پرسی کردم. واقعا چه دیدار دلی و عجیب و غریبی شد! هرگز از یادم نمی‌رود. به پدرم گفتم: «وضوی‌تان را گرفتید، باید کنار بیت... برویم، پرده خانه خدا را بگیرد و مرا دعا کند.» ایشان گفتند: «شلوغ است؛ چه کسی می‌تواند در این شلوغی پرده خانه خدا را بگیرد.» گفتم: «می‌رویم وان شاء... خدا شرایط را فراهم می‌کند.» با پدر و مادرم کنار بیت... رفتم و پدرم پرده خانه کعبه را گرفت، یک دستش را بلند کرد و دعاهای عجیب و غریب برای من کرد. این یک خاطره نقد نقد از پدرم بود. همیشه با خودم می‌گویم خدا! پدر چطور دعایش درگیر است؛ شب دعا کرد و فردا صبحش اسمم در حج رفت.

معاون صدا ادامه می‌دهد: یکی دیگر از ویژگی‌های پدرم این بود که عاشق مادرم بود و جلوی جمع هم مادرم را عشقم، عزیزم و... صدا می‌کرد. من هم جوان بودم و حرص می‌خوردم که چرا پدرم این‌طور مادرم را صدا می‌زند. در عملیات والتجر مقدّماتی مجروح شدید شدم؛ طوری که هرکس بالا سرم آمد، گفت که فلانی شهید شد و به سیاه‌ناحیه گفتند فلانی شهید شد؛ چون خیلی جلورفته بودم و بچه‌ها نتوانسته بودند مرا به عقب برگردانند. چند روز بی‌بهبوش آنجا افتاده بودم و با همان حالت مجروحیت شدید اسیر شدم. وقتی سیاه به خانه ما اطلاع می‌دهد که شهید شدم و جنازه‌ام آن طرف مانده، مراسم می‌گیرند، اطلاعیه پخش می‌کنند و روضه می‌گیرند اما پدرم می‌گفت مشکي می‌پوشم و مردم بیایند، قدم‌شان روی چشمم اما علی شهید نشده است. مادرم می‌گفت پدرت خیلی عجیب با موضوع برخورد کرد. پدرم گفت: «خواب دیدم که علی در یک رودخانه مواج و گل‌آلود شنا می‌کند. همان موقع گفتم علی به سختی افتاده و شهید نشده است. پدرم که شناگر بسیار ماهری بود و به خودش ایمان داشت، می‌دانست این خواب، رؤیای صادقه است. با این که مراسم زیادی گرفته بودند، پدرم مرتب تأکید می‌کرد که علی شهید نشده و می‌آید. چهارم شهریور سال ۶۹ توفیق پیدا کردم و به همراه آزادگان به ایران آمدم. واقعا خدا پدرم را بیمارزد، خیلی عجیب و غریب بود. او نسبت به تک تک بچه‌هایش بسیار مهربان بود. هفت خواهر دارم که دوتای‌شان به رحمت خدا رفته‌اند. هنگام ازدواج یکی از خواهرانم در ایران بودم و قبل از اسارت‌م بود. پدرم، دخترانش را خیلی دوست داشت. مادرم می‌گفت هر کدام از خواهرانم که ازدواج می‌کردند، بدون استثنا پدرم یک ماه مریض می‌شد و کارش به دکتر و سرم می‌افتاد. پدرم به حدی مهربان بود که نمی‌توانست دوری بچه‌هایش را تحمل کند. شادروان گنجینه‌ای عجیب و غریب از محبت و همین‌طور الگویی ارزشمند برای من بود.

دریچه

مجموعه مستند جدید شبکه چهار

مجموعه مستند جدید «خوراکی‌ها» روی آنتن شبکه چهار رفت. این مستند علمی و بوم‌نگار که محصول سال ۲۰۲۴ کشور آمریکا است، در هفت قسمت به بررسی هفت ماده خوراکی محبوب در دنیا می‌پردازد، ازجمله برنج، قهوه، فلفل، ماهی‌تن و نمک.

مستند خوراکی‌ها با کسب امتیاز ۷/۵ از ۱۰ در درگاه تخصصی IMDb، به جنبه‌های مختلف هر ماده خوراکی می‌پردازد. مجموعه مذکور به تاریخچه، وضعیت فعلی و اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی این مواد توجه ویژه‌ای دارد و سعی می‌کند اطلاعات جامع و مفیدی را به مخاطبان ارائه دهد. این مستند تا چهارشنبه، ۲۶ دی، ساعت ۲۲ در قالب برنامه «چهارسوی علم» پخش خواهد شد و تکرار آن نیز روز بعد در ساعت‌های ۲ بامداد، ۷ و ۱۴ به نمایش درمی‌آید. خوراکی‌ها فرصتی مناسب برای علاقه‌مندان به علم و محیط‌زیست فراهم می‌آورد تا با دنیای مواد غذایی آشنا شوند.

انیمیشن

دوبله «سبقت» برای شبکه امید

سریال انیمیشن «سبقت»، یک اثر درام و ورزشی محصول ژاپن در سال ۲۰۲۳، به‌زودی از شبکه امید سیما پخش خواهد شد. این سریال داستان هارو چان، پسر نوجوانی را روایت می‌کند که به دلیل استعدادی که در مسابقات فرمول ۴ دارد، به این حرفه وارد می‌شود. او در کنار خواهر و برادرانش با چالش‌های روزمره زندگی مواجه می‌شود و آنها به عنوان پشتیبان‌های او در این مسیر حضور دارند.

مدیر دوبله این سریال مهوش افشاری و صدابردار آن علی شریفی است. صدای تعدادی از هنرمندان شناخته‌شده همچون رضا الماسی، فاطمه برزویی و علی بیگ‌محمدی در این اثر به گوش می‌رسد. سبقت با تمرکز بر جذابیت‌های مسابقات اتومبیلرانی و هیجان آنها، پیام‌هایی از جمله تلاش و امید برای پیروزی در زندگی را به مخاطبان نوجوان منتقل می‌کند. این سریال علاوه بر لحظات پرهیجان رقابت، به روابط میان شخصیت‌ها نیز توجه ویژه‌ای دارد و سعی در بسط و گسترش این مفاهیم دارد.



ایرانشر

«رویش» با رتبه‌های برتر و فرصت‌های سرمایه‌گذاری

برنامه «رویش» به بررسی توانمندی‌های کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد اختصاص یافت. در برنامه گذشته، دکتر سیدعلی معتمدی‌پور، رئیس جهاد کشاورزی استان، به ظرفیت‌های کشاورزی

چهار فصل این استان و فرصت‌های سرمایه‌گذاری موجود پرداخت. کهگیلویه و بویراحمد به‌عنوان دومین منطقه پر بارش کشور شناخته می‌شود و در تولید ماهیان سردابی رتبه سوم را دارد. همچنین، این استان در زمینه تولید گیاهان دارویی، جزو برترین استان‌های کشور محسوب می‌شود. در این برنامه، لباس محلی اقوام لر بویراحمدی نیز به‌عنوان بخشی از فرهنگ غنی این منطقه مورد توجه قرار گرفت.

برنامه «رویش» به تهیه‌کنندگی علیرضا سپهرین و با اجرای نیلوفر شاهرخی و فرشید فهیم، شنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۸ از شبکه آموزش سیما پخش می‌شود و به معرفی ظرفیت‌های کشاورزی و فرهنگی این استان می‌پردازد.

